

اصول تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام رضا علیه السلام

سعید بهشتی*

شیرین رشیدی**

دریافت مقاله: ۹۲/۳/۵

پذیرش نهایی: ۹۲/۴/۲۵

چکیده

این پژوهش، که از نوع کاربردی است با هدف بررسی اصول تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام رضا(ع) انجام شده است. در این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی به این سؤال پاسخ داده می شود که: "اصول تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام رضا (ع) چیست؟ در پایان پس از گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل آنها به روش تحلیل محتوا این نتایج به دست آمده است: اصول تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام رضا(ع) به دو قسم قابل طبقه بندی است: اصول عام که هم تربیت عقل نظری و هم تربیت عقل عملی را شامل می شود، عبارت است از: اصل اعتدال، اصل لزوم هماهنگ بودن علم و عمل، اصل هماهنگی با فطرت، اصل آزادی مبتنی بر عقل. اما اصول خاص به دو دسته جدا تقسیم شده است؛ "اصول خاص ناظر به عقل نظری" مانند اصل پیوستگی تجربه اندوزی، علم آموزی، اندیشه ورزی و اصل تفکیک علم و اندیشه و تجربه مفید از علم و اندیشه و تجربه غیر مفید، اصل لزوم روح علمی داشتن، اصل حکمت جویی، اصل تلازم عقل و علم، اصل لزوم منع حکمت آموزی به ناهالان؛ "اصول خاص ناظر به عقل عملی" مانند اصل رعایت مراحل تزکیه نفس، اصل تکلیف متناسب با توانایی، اصل لزوم پیروی عقل از فرمانهای الهی است. **کلید واژه‌ها:** امام رضا (ع) و تربیت عقلانی، اصول تربیت عقلانی در سخنان امام رضا(ع)، تعلیم و تربیت اسلامی.

* دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی (ره) beheshti@atu.ac.ir

** نویسنده مسئول: کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

rashidi.shirin@gmail.com

مقدمه

در شیوه زندگی پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) نمونه های زیادی هست که دلیل بر اهمیت تربیت و عقل است. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ: بدترین موجودات آنها هستند که تعقل نمی کنند» (انفال / ۲۲). هم چنین در آیه ۱۰ از سوره ملک می فرماید: «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ: آن گاه گویند که اگر ما (در دنیا) سخن شنیده بودیم و یا به دستور عقل رفتار می کردیم، امروز از دوزخیان نبودیم. دین اسلام، فطری است و تمام قوا و نیروهای انسانی را محترم می شمارد و به میزان صحیح و دور از افراط و تفریط، آنها را پرورش می دهد؛ به همین دلیل نیروی عقل را با ارزش معرفی، و آن را در راه خیر و نیکی تربیت می کند (حجتی، ۱۳۵۷: ۵۷). از مهمترین مسئولیتهای تربیتی پدران و مادران و مربیان این است که به کودک از نظر علم و آگاهی و سلامت عقل کاملاً توجه کنند و از افراط و تفریط بپرهیزند و بدانند که افراط و تفریط مسئولیت الهی و اخروی دارد (بهشتی، ۱۳۹۰: ۱۸۰). اسلام، مکتبی الهی است و تعلیم و تربیت در این مکتب جنبه دینی و معنوی و همگانی دارد. در دین اسلام هم به تربیت فکری و هم به تربیت اجتماعی اهمیت داده شده است. این تربیت شامل تربیت جسم و روح، فرد و جمع، دنیا و آخرت می شود. تعلیم و تربیت اسلامی، انسان را از مرزهای تنگ ماده پرستی و طبیعت گرایی فراتر می برد و به سوی خداوند بزرگ می کشاند و توحید را فلسفه جهان بینی و معاد را زندگی مطرح می کند و عقل و عمل را ملاک یافتن حقیقت و ضابطه رستگاری تلقی می کند (شریعتمداری، ۱۳۸۰: ۳۳). ادراک و شناسایی، مقایسه امور و اشیا و تمیز آنها از یکدیگر، ارزیابی و بررسی امور مختلف، پیش بینی و تخیل، همه جزء جنبه عقلانی شخصیت انسان قرار می گیرند. آگاهی از رفتار خود و برخورداری از نیروی تفکر، استفاده صحیح و بجا از جنبه های عاطفی و اجتماعی و حتی تواناییهای بدنی همه تحت تأثیر نیروی عقلانی انسان قرار دارند (ساعی، ۱۳۷۹: ۴۷). تربیت عقلانی، «مجموعه تدابیر و اعمالی است که به طور منظم و سازمان یافته موجبات رشد و پرورش عقل را در دو جنبه نظری و عملی آن در جهت دستیابی به هدفهای مطلوب فراهم می آورد» (بهشتی، ۱۳۸۹: ۸۹). امام رضا (ع) درباره اهمیت تعقل و تفکر چنین فرموده اند: «صَدِيقُ كُلِّ امْرَأٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ»: دوست هر کس عقل و خرد او، و دشمن هر کس جهل و نادانی اوست (مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۵۵؛ حموی جوینی، ۱۳۷۹: ۳۰۴). تربیت اسلامی

انسان مرهون پذیرش اسلام به عنوان کاملترین و صحیح ترین دین است. نشانه پذیرش هر دین، آیین و اعتقاد، ایمان و التزام قلبی و عملی به مبانی و اهداف آن است. بین پیامبران و ائمه (ع) به عنوان حجت بیرونی و عقل به عنوان حجت درونی، رابطه ای مستحکم برقرار است. از متون اسلامی می توان نتیجه گرفت که حضرت رضا علیه السلام عالم بماسوی الله، واسطه فیض این عالم، معدن کلمات پروردگار، صندوق انوار الهی و خزینه علم خداوند متعال است. ائمه اطهار علیهم السلام معدن علم، سرچشمه دانش، حکمت، اخلاق و معارف عالی انسانی هستند و به تمام علوم مورد نیاز بشر آگاهی کامل دارند. به فرموده امام هشتم علیه السلام تمام نیازمندیهای فرزندان آدم نزد امام معصوم علیه السلام، و جمیع علوم مختلف بشری نزد آنها است (قمی، ۱۳۳۷: ۱۶۹).

روش تحقیق

این پژوهش از نوع کاربردی است که در آن کوشش می شود، مطالب به روش کتابخانه ای جمع آوری شود و با روش توصیفی - تحلیلی (تحلیل محتوا) مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد؛ سپس با استخراج احادیث و روایات مورد نظر کار طبقه بندی آنها در چهارچوب فصول پیش بینی شده در تحقیق انجام شده، و مطالب با مراجعه به منابعی مانند پایان نامه ها، مقاله ها و کتابهای معتبر مانند کتابهای تبیین و تحلیل ابعاد تربیتی روش امام رضا (ع) در مناظرات فلسفی و کلامی، اصول تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری (ره)، تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت، تعلیم و تربیت در اسلام و کتابهای معتبر حدیث... استخراج شده، و به توصیف مطالب مربوط و مرتبط با عنوان تحقیق پرداخته، و پس از آن از طریق تجزیه و تحلیل محتوای کیفی، اصول تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام رضا (ع) استخراج شده است.

اصول تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام رضا(ع)

اصل، که به معنی ریشه، خاستگاه و بنیاد است، گاه به معنی خاستگاه و بنیاد چیزهاست، گاه بنیاد اندیشه ها، و گاه بنیاد کردارها. اصل در کاربرد دوم و سوم، گزاره ای است کلی که بنیاد گزاره های دیگر است؛ به سخن دقیقتر در ردیفی از استنتاجهای به هم پیوسته، کلی ترین گزاره ای که دیگر گزاره ها بر آن استوار است، اصل نامیده می شود (نقیب زاده، ۱۳۷۴: ۲۱). تربیت را به طور کلی

می‌توان مجموعه تدابیر و روشهایی دانست که برای به فعلیت رساندن ابعاد مختلف وجود انسان به کار گرفته می‌شود. معنای واژه عقل به اختصار چنین است: «نیروی تشخیص و بازشناخت حق از باطل در قلمرو شناخته‌های نظری، و خیر از شر در قلمرو شناخته‌های عملی (قوه‌ای که عقل نظری نامیده می‌شود) و بازدارنده از سیئات و سوق دهنده به حسنات (قوه‌ای که عقل عملی نامیده می‌شود)». محمد باقر هوشیار، نویسنده کتاب «اصول آموزش و پرورش» اصول تعلیم و تربیت را این گونه تعریف می‌کند: مقصود از اصول، جستجوی آن گونه مبانی عقلانی و آن گونه مقیاس‌هاست که به وسیله آن می‌توان در هر مورد با کمال سهولت رفتار پرورشی مطلوب کرد؛ رفتاری که به وسیله آن می‌توان هر وضع خاص تربیتی یعنی هر طفل را از موقف بخصوص خود به هدف مطلوب رساند (هوشیار، ۱۳۲۷: ۳۷؛ به نقل از بهشتی، ۱۳۸۹: ۳۵). «مقیاس بودن» اصول در تعریف هوشیار، و «کلیت داشتن» و «راهنما بودن» اصول در تعریف شریعتمداری از نقاط قوت این تعاریف است. با توجه به این تعاریف و نکاتی دیگر، اصول تربیت دینی از دیدگاه اسلام بدین صورت تعریف می‌شود: «مفاهیم یا گزاره‌های کلی انشایی یا (باید محور) مستخرج از متون اسلامی که معیار و راهنما و حاوی روشهای تربیتی است» (بهشتی، ۱۳۸۹: ۳۵). شناخت اصول و درک چگونگی ارتباط آنها با هم و کارکرد آنها در تعلیم و تربیت اسلامی ضروری است؛ از این رو محقق بر آن است که از میان اصول تربیتی، که برگرفته از قرآن و سخنان ائمه اطهار (ع) است، چند اصل تربیتی مهم را انتخاب کند و به بررسی آنها پردازد. در این پژوهش به اصول تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام رضا (ع) توجه می‌شود که به این شرح است:

۱- اصول عام: این اصول به منظور پرورش هماهنگ عقل نظری و عقل عملی به کار می‌رود.

۱- ۱ - اصل اعتدال: اعتدال در مقابل افراط و تفریط است. افراط یعنی زیاده روی کردن در چیزی و تفریط یعنی کم دیدن و کم آوردن چیزی. هر کدام از این دو موجب اختلال در بقا، استمرار و سلامت کارها می‌شود. در تعلیم و تربیت نیز، که با روح و روان انسانها سر و کار دارد، پرهیز از افراط و تفریط از لوازم تعلیم و تربیت کارآمد و تأثیرگذار است. افراط، تورم به وجود می‌آورد و تفریط، خلأ و کاستی (ملکی، ۱۳۸۳). راه تربیت درست، آدمی را به صراط مستقیم سعادت می‌رساند و راهی معتدل است. پس مربی باید در هر فعل تربیتی بر موارد اعتدال سیر کند و متری را در اعتدال بیم و امید سیر دهد. بهترین زمینه برای رشد و تعالی اعتدال بیم و امید است و خدای تبارک و تعالی آدمیان را در چنین زمینه‌ای به سوی کمال سیر می‌دهد (دلشاد

تهرانی، ۱۳۸۰: ۱۵۹ - ۱۵۵). روایاتی که از حضرت رضا(ع) نیز در این خصوص نقل شده است بر اهمیت این موضوع می افزاید. امام رضا علیه السلام فرمودند: عَلَيكُمْ بِالْقَصْدِ فِي الْغَنَى وَالْفَقْرِ وَالْبِرِّ مِنَ الْقَلِيلِ وَالْكَثِيرِ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، يَعْظُمُ شَقَهُ الثَّمَرَةِ حَتَّى يَأْتِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَجَبَلٍ أُخِذَ: بر شما باد به میانه روی در فقر و ثروت و نیکی کردن چه زیاد چه کم؛ زیرا خداوند متعال در روز قیامت پاداش انفاق یک نصفه خرما را چنان بزرگ کند که مانند کوه احد باشد (حرعاملی، ۱۳۸۰: ۳۴۶). با توجه به روایت از حضرت رضا(ع) و آرای اندیشمندان مسلمان، رعایت اصل اعتدال در کارهای مختلف بر همگان لازم شمرده می شود. همان طور که در این روایت مشاهده شد، این نتیجه به دست می آید که امام رضا(ع) در مورد مسائل مختلف و نه فقط در یک بعد خاص، ما را به رعایت اعتدال فراخوانده اند؛ چه در رفتار عبادی و کارهای خیر، چه در امرار معاش، چه در فقر و چه در ثروت؛ حتی در روابط اجتماعی با مردم رعایت اعتدال را لازم شمرده اند و این دلیل محکمی بر عقلانی، و محکم بودن این اصل تربیتی به شمار می آید که باید در ابعاد مختلف زندگی معیار عمل قرار بگیرد تا به سرمنزل اصلی و مقصود حقیقی دست یابیم.

۱ - ۲ - اصل لزوم هماهنگ بودن علم و عمل: در مرحله اول علم زمینه ای است که انسان بدون آن قادر به هیچ کاری نیست. رفتار صحیح فکری، بدنی، اعتقادی و یا قلبی، همه و همه، توقف بر دانش دارد. شروع هر عملی با علم است و آن گاه عمل تحقق می یابد. نکته اساسی این است که اگر به دنبال علم، عمل واقع شود، آن عمل خود زمینه علم دیگری، و موجب ایجاد علم ثانوی خواهد شد. نتیجه این است که اگر انسانی به دانشی دست یافت، چنانچه پس از کسب علم بدان عمل نکند، آن علم از لوح وجود او محو می شود و یا ثمره اش از بین خواهد رفت. اما اگر به دنبال علم، عمل بیاید و شخص خود را مقید کند که به آنچه یاد گرفته است عمل کند، آن عمل خود علم دیگری را ایجاد خواهد کرد. بدیهی است آن علم دیگر باعث عمل دیگری است که روح انسان بدین استمرار تعالی می یابد و در مسیر تکامل واقعی خویش قرار می گیرد؛ به تعبیر دیگر میان علم و عمل تقابل است؛ خدمات متقابل و تأثیرات متقابل (مشکینی، ۱۳۶۷). قَالَ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ: أَلْعِلْمُ أُمَامَ الْعَمَلِ وَالْعَمَلُ تَابِعُهُ: علم پیش روی عمل است و عمل تابع علم است (حموی جوبینی، ۱۳۷۹: ۷). الْإِيمَانُ هُوَ مَعْرِفَةُ بِلِقَلْبٍ وَإِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ: ایمان عقیده (شناخت) به دل و اقرار به زبان، عمل با اعضای بدن است (قمی، ۱۳۸۲: ۲۶۱). از این روایت چنین برمی آید که ایمان قلبی تنها کافی نیست بلکه ما باید عامل به اعتقاداتمان باشیم. در مقام عمل است که علم

تجلی می یابد؛ بنابراین باید بین علم و عمل هماهنگی صورت پذیرد. انسان عاقل، همان انسان فهیم مؤمن و متقی است که به آنچه می داند و می فهمد، عمل می کند و تنافی بین علم و عمل او نیست. در مقابل، انسان جاهل، فردی است که بین علم و عمل او تنافی است و وحدت شخصیت ندارد. وحدت شخصیت نداشتن موجب بروز ویژگی تظاهر، نفاق و ریا در انسان می شود؛ بنابراین متریان باید در همه حال جانب احتیاط را بسیار رعایت کنند که از هماهنگی و وحدت شخصیت در قول و فعل برخوردار باشند. در کلام معصومان علیهم السلام و بویژه در کلام امام رضا(ع) با توجه به دامنه این پژوهش بر لزوم هماهنگی بودن علم و عمل بسیار تأکید شده است؛ زیرا علمی که عملی در پس آن نباشد بی ثمر خواهد ماند و ارزش حقیقی نمی یابد. تا زمانی که علم به مقام عمل درنیاید، قابلیت خود را نمی تواند در عالم واقع نمایان سازد. بنابراین توجه جدی به هماهنگی علم و عمل، چه در حوزه اعتقادات و چه در حوزه انواع روابط انسان با خدا، با خود، با دیگران و با جهان هستی لازم شمرده می شود. اگر انسان عالم بدرستی به علم خویش عمل کند به نوعی به تکالیف خود نیز عمل کرده است؛ زیرا ما در برابر علومی که به دست می آوریم، همان قدر تکلیف به عهده داریم؛ گروهی بدرستی و در جهت صلاح خود و دیگران از آن علم استفاده می کنند و گروهی هم در خلاف آن. البته باید توجه کرد که عمل به علم در جهت خیر و صلاح جامعه و دیگران باشد در غیر این صورت این عامل بودن به علم فاقد ارزش است.

۱- ۳- اصل هماهنگی با فطرت: در خصوص این اصل در روایتی از امام رضا (ع) چنین آمده است که ما با کمک استنباط ذهنی به آنها دست یافته ایم. عن الرضا علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال العلم ضاله المؤمن. امام رضا (ع) می فرماید: علم، گمشده مؤمن است (حموی جویی، ۱۳۷۹: ۶). طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ: کسب علم و دانش بر هر فرد مسلمانی لازم و ضروری است (حموی جویی، ۱۳۷۹: ۷؛ مجلسی، ۱۳۶۴: ۱۷۱). علم جویی نیز یکی از ویژگیهای فطری انسانها است که در این روایات به آن اشاره شده است. در وجود انسان از سوی خداوند متعال ویژگیهایی قرار داده شده است که او را از سایر موجودات متمایز می کند؛ خردورزی، حقیقت جویی، عدالت طلبی، خداگرایی و سایر ویژگیهای ذاتی از جمله این ویژگیها و استعدادهای فطری است. وقتی در روایاتی نظیر این روایات بر کاری تأکید می شود که از ویژگیها و استعدادهای فطری ما است، خود ناظر بر این موضوع است که رعایت و اجرای آن فعل توسط ما از نظر ائمه اطهار علیهم السلام حائز اهمیت است و آنها این رفتار را به صلاح مردم می دانستند و در پس آن،

پیامدهای سودمندی می‌دیدند که بر آنها تأکید می‌کردند. اینها همه دلیلی است بر لزوم رعایت اصل هماهنگی با فطرت در مسیر رفتار تربیتی و بویژه در سیر تربیت عقلانی که موضوع مورد بحث این تحقیق است؛ هم چنین امام رضا (ع) چنین فرموده‌اند: مَا أَخْلَصَ عَبْدُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا إِلَّا جَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ: هیچ بنده‌ای چهل روز برای خداوند مخلص نشد جز اینکه چشمه‌های حکمت از دلش بر زبانش جاری شد (قمی، ۱۳۳۷: ۶۹). از آنجا که ما به طور فطری خداجو و خداگرا و حقیقت‌جو هستیم، اگر نفس و جان خود را در مسیر حق قرار دهیم و رضایت خداوند متعال را در همه کارها سرلوحه کار خود سازیم به علم و دانش حقیقی دست می‌یابیم و این خود نوعی همسویی با فطرت است.

۱- ۴- اصل آزادی مبتنی بر عقل: تحقق آزادی در جامعه با برگزیدن روش عقلانی امکان دارد؛ بر این اساس گفته می‌شود آزادی یعنی پیروی از عقل یا انتخاب روش عقلانی در شئون زندگی. تقوا رابطه نزدیکی با آزادی دارد. شاید بتوان گفت تقوا پایه و اساس آزادی است. تقوا از جهتی یعنی کنترل کردن تمایلات و پیروی از عقل؛ روی همین زمینه می‌توان گفت تقوا از جهتی همان آزادی است (شریعتمداری، ۱۳۸۰: ۱۱۰-۱۰۶). زکریا بن آدم گوید از امام رضا (ع) پرسیدم که مردی از اهل ذمه که به فقر و تنگدستی مبتلا شده بود فرزندش را آورد و گفت فرزندم مال تو، او را خوراک بده و او برده تو باشد. امام رضا (ع) فرمود: «لَا يَتَنَاعُ خُرٌّ، فَإِنَّهُ لَا يُصْلِحُ لَكَ وَلَا مِنْ أَهْلِ الذِّمَّةِ»: انسان آزاده خریده و فروخته نمی‌شود. این کار شایسته تو نیست؛ از ذمیان نیز روا نیست (حموی جویی، ۱۳۷۹: ۳۰۴). امام رضا (ع) بر اساس آزادی مبتنی بر عقل چنین امر فرمودند و تفاوت‌های عقیدتی را در این امر دخیل نکردند و این نشان‌دهنده رفتار مبتنی بر عقل از سوی امام رضا (ع) است. سخن امام رضا (ع) اوج کرامت انسان و اصالت حقوق و نفی ارزشهای مادی است. امام (ع) اجازه نمی‌دهد آزادی فرزند انسانی، اگرچه ذمی و کافر باشد با امور مادی معاوضه شود. این نمونه‌ای از رعایت اصل آزادی مبتنی بر عقل است که در رفتار و گفتار و کردار امام هشتم (ع) نمود پیدا کرده است. حضرت رضا (ع) با طرز فکری معقول از حقوق انسانی آزاد چنین دفاع کردند. این طرز رفتار و سلوک ائمه اطهار (ع) بهترین الگو برای زندگی سعادت‌مندانه است به طوری که افرادی که اهل تفکر و تدبّر در سیره معصومین هستند، قطعاً با پیروی از ایشان در هر شکلی از انواع تربیت، مانند تربیت عقلانی می‌توانند راه خود را به سوی مقصد حقیقی خویش بیابند. این چنین است که اصل آزادی مبتنی بر عقل در سیر تربیت عقلانی نمود پیدا کرده است.

امام(ع) معیار ارزش انسانی را در موارد مادی دنیوی محدود نکرده است بلکه برای کردار افراد و هویت والای انسانی افراد ارزش قائل شده است. حضرت همه را بنده یک خالق بی همتا دانسته اند و بنابراین تفاوت‌های ظاهری زودگذر دنیوی را در نظر نگرفته، و با معیاری مبتنی بر عقل قضاوت کرده‌اند و این نهایت رفتار آزادانه مبتنی بر عقل را می‌نماید.

۲ - اصول خاص

۲ - ۱ - اصول خاص مربوط به عقل نظری

۲ - ۱ - ۱ - اصل پیوستگی تجربه اندوزی، علم آموزی، اندیشه ورزی: اسلام برای تربیت عقل و به کار بردن روش عقلانی، نخست عقل را از مطالب و محتواهایی خالی می‌کند که بر یقین استوار نیست؛ برای تصفیه فکر و اندیشه از محتواهای نادرست مقرر می‌دارد که افراد از تقلید کورکورانه بپرهیزند؛ درباره همه چیز تحقیق کنند و بدون تفکر تابع اکثریت نباشند. خداوند متعال در آیه ۳۶ سوره اسراء می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» یعنی از آنچه بدان علم نداری پیروی مکن. پس از تصفیه عقل از محتواهای نادرست باید به گسترش محتوای درست و پرورش عقل پرداخت. اسلام برای پرورش عقل بر ۱. مشاهده ۲. تجربه ۳. علم تأکید می‌کند. مشاهده و مطالعه طبیعت به انسان قدرت شناخت علمی می‌بخشد. تجربه اندوزی نیز دومین وسیله برای پرورش عقل است؛ زیرا ذهنی که خالی باشد نمی‌تواند حکمی را بدون اشتباه عرضه کند. تصمیم و نظر هر فرد به تجربیات او بستگی مستقیم دارد (احمدی، ۱۳۶۸: ۲۰۰ - ۱۹۵). فعالیت‌های تربیتی الزاماً باید از پیوستگی و جهتگیری معینی برخوردار باشد تا بتواند رسالت عظیم تربیت و ربوبی سازی را بدرستی انجام دهد. از این رو، یکی از اساسی‌ترین مسئله‌ها شناخت این اصل و جهتگیری‌های دین اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان متوازنترین سرمشق در تربیت انسان است. امام رضا (ع) در این خصوص فرموده اند: أَلْعِلْمُ أَمَامَ الْعَمَلِ وَالْعَمَلُ تَابِعُهُ: علم پیش روی عمل است و عمل تابع علم است (حموی جوینی، ۱۳۷۹: ۷). آنچه از این روایت استنباط می‌شود این است کسب علم یا علم آموزی که گونه ای از اندیشه ورزی یا تفکر است با عمل که به نوعی با تجربه اندوزی که در جهت علم آموزی و اندیشه ورزی هرچه بیشتر صورت می‌پذیرد در ارتباط تنگاتنگ، منطقی و دوسویه است؛ بدین گونه رعایت این اصل تربیتی یعنی اصل پیوستگی تجربه اندوزی، علم آموزی، اندیشه ورزی بر همگان ثابت می‌شود.

۲ - ۱ - ۲ - اصل تفکیک علم و اندیشه و تجربه مفید از علم و اندیشه و تجربه غیر مفید: باید دانست

هر تجربه و در نتیجه هر علم و هر اندیشه ای حق را نمی گوید و راهنمای عمل تربیتی به سوی راه درست نیست؛ بلکه تجربه، علوم، تفکرات غیر صحیح و بی فایده و شاید زیان بخشی نیز هست که تلاش ما باید در خلاف جهت اثر آنها باشد تا متربی یا جامعه از آثار زیان بخش آنها در امان بماند. اینجاست که ما به تفاوت علم نافع و علم غیر نافع پی می بریم. این تلاش مستلزم وجود معیار و میزانی است که حق را از باطل و درست را از نادرست بشناساند و به ما بنمایاند. مکتب بزرگ اسلام و مربیان والای آن یعنی ائمه اطهار علیهم السلام این میزان و ملاکها را برای ما بدرستی تبیین کرده اند. وظیفه ما این است که در رویارویی با دستاوردهای تجربه بشری و علوم و تفکرات جدید با دقت و هوشیاری کامل عمل کنیم و هم چنین با ژرف نگری به تطبیق آنها با موازین دینی خود پردازیم؛ در صورتی که آنها را طبق ملاکهای حق یافتیم از آنها بهره ببریم و در غیر این صورت از آنها پرهیزیم. روایاتی که در این خصوص از حضرت رضا (ع) نقل شده از قرار زیر است: التَّفَكُّرُ مِرَاتُكَ تُرِيكَ سَيِّئَاتِكَ وَ حَنَاتِكَ: تفکر آینه توست که بدیها و خوبیهای را به تو نشان می دهد (فقه الرضا (ع): ۳۸۰؛ به نقل از قربانی، ۱۳۸۹). در این روایت حضرت رضا (ع)، تفکر را عامل جداکننده خوبی و بدی دانسته اند. از این روایت اصل تفکیک علم و اندیشه و تجربه مفید از علم و اندیشه و تجربه غیر مفید برای تربیت عقلانی استخراج می شود؛ زیرا تفکر به نوعی جداسازی امور خوب و بد، نافع و غیر نافع، درست و غلط از همدیگر، و کار این اصل تربیت عقلانی نیز مشابه به کار تفکر است؛ پس می توان با توجه به این توضیحات بین این دو ارتباط برقرار کرد. اباضلت هروی از حضرت رضا (ع) روایت کرده است که آن حضرت فرمود از دانایان باشید نه از راویان. اگر حدیثی را از روی فقه و بصیرت و دانایی درک کنید و معانی آن را بدانید، بهتر است از اینکه هزار حدیث را بدون درک معانی آن، روایت کنید (حموی جوینی، ۱۳۷۹: ۸۰). وَ تَفَقَّهُوا فِي دِينِ اللَّهِ: آیین خدا را بدرستی بشناسید و با آگاهی و بصیرت از آن پیروی کنید (مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۴۶). بنابراین آنچه در این روایات نقل شده است امام رضا (ع) نیز بین علم نافع و علم غیر نافع تفاوت قائل بوده اند و هر علمی را دارای نفع و فایده نمی دانند؛ همان گونه که فرموده اند درک و فهم یک حدیث با ارزشتر از روایت هزار حدیث عاری از درک و فهم است؛ تفهّم و تعقّل را در جایگاهی بالاتر از نقل قول و روایت احادیث قرار داده اند؛ زیرا نقل قول تنها کفایت نمی کند و در فرایند تربیت، درک و فهم درست حائز اهمیت است. نقل روایت عاری از درک و فهم، نمی تواند هیچ گرهی بگشاید؛ زیرا بعد از درک مقصود و منظور حدیث، اثر تربیتی آن بر متریان جاری می شود.

این را راه و رسم دانایان دانسته اند؛ یعنی عقلا و کسانی که رهرو راه تربیت عقلانی هستند این چنین خط مشی رفتاری دارند. اینان بین علم نافع و غیرنافع تفاوت قائلند، و در میدان عمل، علم و اندیشه و تجربه مفید را از غیر مفید تمیز می دهند و بر اساس اصول معقول و مفید عمل می کنند؛ بدین ترتیب ضرورت رعایت این اصل تربیتی بر همگان آشکار می شود.

۱- ۳- اصل لزوم روح علمی: فرق است میان عالم بودن و روح علمی داشتن. ای بسا افرادی که روح علمی دارند ولی عالم نیستند و ای بسا کسانی که عالمند و روح علمی ندارند. عالم واقعی آن کسی است که روح علمی او با عملش همراه باشد. روح علمی یعنی روح حقیقت جویی، روح بی غرضی و طبعاً روح بی تعصبی، روح خالی از جمود و روح خالی از غرور. اگر انسان خودش را بی غرض نگاه دارد و بخواهد حقیقت را آن چنانکه هست کشف کند نه اینکه بخواهد حقیقت آن طوری باشد که او دلش می خواهد، او دارای روح علمی است (مطهری، ۱۳۸۵: ۴۰). روایاتی که در این خصوص از حضرت رضا (ع) نقل شده از قرار زیر است: فَاسْأَلُوا يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ، فَإِنَّهُ يُؤْجِرُ فِيهِ أَرْبَعَهُ: السَّائِلَ وَالْمُعَلِّمَ وَالْمُسْتَمِعَ وَالْمُجِيبَ لَهُ: خداوند شما را رحمت کند! هر چه می خواهید، برسید و بر علم و دانش خود بیفزایید؛ زیرا در پرسشهای علمی و دینی به چهار نفر اجر و پاداش داده می شود: سؤال کننده، استاد و معلم، شنونده، پاسخ دهنده و کسی که آنها را دوست می دارد (قمی، ۱۳۳۷: ۲۸؛ حموی جوینی، ۱۳۷۹: ۵؛ مجلسی، ۱۳۶۴: ۱۹۷ ح ۳). می توان چنین در نظر گرفت که پرسیدن در راه افزایش دامنه و گستره علم و دانش در جهت رسیدن به کمالات، مستلزم داشتن روح علمی است. فردی که علاقه مند به دانستن حقیقت باشد به عمق و ژرفای هر پدیده فکر می کند؛ سؤال می کند و تا یافتن پاسخ قانع کننده از پای نمی نشیند. چون روح علمی همان روح حقیقت جویی است و انسان می خواهد حقیقت را آن چنانکه هست کشف کند نه اینکه بخواهد حقیقت آن طوری باشد که او دلش می خواهد. پس پرسش علمی در جهت رسیدن به کمال و افزایش آگاهی و در جهت دستیابی به حقیقت با ارزش است و در فرایندهای تربیتی از جمله تربیت عقلانی رعایت این اصل لازم شمرده می شود. به طور کلی در سایه حقیقت طلبی و یافتن پاسخهای اصیل و شایسته و صحیح، روح علمی تجلّی می یابد و فرایند تربیت عقلانی بر محور این اصل به بهترین وجه شکل می گیرد.

۱- ۴- اصل حکمت جویی: حکمت به معنای برهان خالص است. همه پیامبران و انسانهای صالح نقش حکیمانه داشته، و ضمن عرضه حکیمانه پیام، تلاش کرده اند انسانهای حکیم پرورش

دهند. قرآن مجید حکمت را به حضرت لقمان به عنوان موهبتی الهی طرح می کند (ملکی، ۱۳۸۳). روایاتی که در این خصوص از حضرت رضا (ع) نقل شده از قرار زیر است: قَالَ الرضا عَلَيْهِ السَّلَام: مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا إِلَّا جَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ: هیچ بنده‌ای چهل روز برای خداوند مخلص نشد، جز اینکه چشمه های حکمت از دلش بر زبانش جاری شد (قمی، ۱۳۳۷: ۶۹). فضیلت و برتری فقیه و دانشمند بر عابد مثل برتری خورشید بر ستارگان است (مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۳۶). عبید بن هلال می گوید از امام رضا علیه السلام چنین شنیدم که فرمود دوست دارم فرد مؤمن محدث باشد، عرض کردم محدث چیست. فرمود فهم باشد؛ یعنی فهمیده و زیرک باشد (قمی، ۱۳۳۷: ۶۲۰). در تربیت عقلانی اصل حکمت جویی بسیار مفید واقع می شود و همان گونه که ذکر شد، حضرت رضا (ع) آثار و نتایج مختلف را برای حکمت جویی و کسب دانش محکم یا حکمت برشمرده اند؛ مثلاً خالص شدن برای خدا، دین فهمی و حلم، محدث شدن، کسب دانایی و بصیرت. اینها همه دلیل بر لزوم رعایت و پیروی از این اصل تربیتی در فرایندهای تربیتی و بویژه تربیت عقلانی است که در این مقاله مد نظر قرار گرفته شده است. تربیت عقلانی یعنی آن نوع تربیت که بر محور عقل و دانش مدلل و مستحکم باشد و رعایت اصل حکمت جویی از ارکان مهم آن به شمار می آید.

۲ - ۱ - ۵ - اصل تلازم عقل و علم: امام رضا علیه السلام در این خصوص فرموده اند: صَدِيقُ كُلِّ إِمْرَةٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ: دوست هر کس عقل و خرد، و دشمنش جهل و نادانی اوست (مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۵۵؛ حموی جونی، ۱۳۷۹: ۳۰۴). عقل و علم به یکدیگر نیاز دارد و باید همراه باشد. عقل برای اندیشیدن به علم نیاز دارد و علم برای رشد و توسعه به عقل نیازمند است. شرط تعقل، علم آموزی است (ملکی، ۱۳۸۳). «اگر انسان تفکر کند ولی اطلاعاتش ضعیف باشد، مثل کارخانه‌ای است که ماده خام ندارد یا ماده خامش کم است که قهراً نمی تواند کار بکند یا محصولش کم خواهد بود. محصول بستگی دارد به اینکه ماده خام برسد. اگر کارخانه ماده خام زیاد داشته باشد ولی کار نکند باز فلج است و محصولی نخواهد داشت (مطهری، ۱۳۸۵: ۳۵). همراه بودن علم و عقل لازم است ولی کافی نیست. علاوه بر تلازم باید تناسب نیز باشد؛ به عبارت دیگر کارخانه عقل با هر ماده خام کار نمی کند؛ باید با ماهیت عقل تناسب داشته باشد. دو وجه برای این تناسب می توان در نظر گرفت: وجه اول تناسب از جهت قوه عقل است. هر مرحله از رشد عقل، توان خاص خود را دارد و بدون توجه به آن نمی توان باعث رشد عقلانی شد. وجه دوم از جهت ماهیت

علم و عقل است. عقل نور است و برای هدایت شدن در وجود انسان قرار داده شده است. علم هم باید نور باشد؛ یعنی دانستی ها و معلومات درباره اموری باشد که دانستن آن برای رشد و کمال انسان ضروری است؛ مثلاً اگر عقل معطوف به دانستن یک قاعده یا روشی بشود که به قصد اجرای کار ناصواب و گناه تعیین شده است و یا کاری که انجام دادن یا انجام ندادن آن نه تنها تفاوتی ندارد بلکه اجرای آن موجب اتلاف وقت نیز می‌شود. در این حالت می‌توان گفت که علم با عقل تناسب ندارد (ملکی، ۱۳۸۳). «علم مسموع اگر به علم مطبوع ضمیمه نشود کافی نیست؛ یعنی انسان آنچه را از بیرون می‌گیرد باید با آن نیروی باطنی، با آن خمیرمایه و با آن نیروی تجزیه و تحلیل خود بسازد تا یک چیزی از آب درآید؛ یعنی اول باید انسان عالم باشد؛ مواد خام را فراهم کند و بعد تجزیه و تحلیل کند؛ مثلاً اگر ما عقل قوی داشته باشیم مثل بوعلی سینا، و قرآن هم بگوید که «تاریخ» عبرت بسیار خوبی است ولی من که از تاریخ اطلاعاتی ندارم عقل من چه می‌فهمد یا به ما بگویند در تمام این عالم تکوین، آیات الهی و نشانه‌های خدا هست، عقل من هم عالیت‌ترین عقل باشد ولی من که از مواد به کار رفته در این ساختمان بی‌اطلاعم با عقل خودم چه چیزی را می‌فهمم و آیات الهی را چگونه کشف کنم، باید با علم آنها را کشف کنم و با عقلم درک نمایم» (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۸۳؛ به نقل از ملکی، ۱۳۸۳). «از دید امام رضا (ع) برای کسب معرفت باید انسان سه عامل مقدس (عقل، علم و انصاف) را داشته باشد: عقل، عاملی برای بحث و گفتگو و استدلال است؛ فهم مبتنی بر علم آموزی و کسب تجربه است و انصاف نتیجه زهد و تزکیه نفس و خدامحوری است» (موحدی راد، ۱۳۸۷).

۲ - ۱ - ۶ - اصل لزوم منع حکمت آموزی به نا اهلان: امام رضا علیه السلام در این خصوص فرموده‌اند: إِنَّ الْحُكَمَاءَ ضَيَّعُوا الْحِكْمَةَ لَمَّا وَضَعُوهَا عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهَا: هرگاه دانشمندان، علم و حکمت را به غیر اهلش عرضه کنند آن را تباه کرده‌اند (مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۴۵ ح ۳۹). نادان، دوستانش را به زحمت می‌اندازد (مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۵۲). «مُجَالِسَةُ الْأَشْرَارِ تَوْرِثُ سُوءَ الظَّنِّ بِالْأَخْيَارِ»: همنشینی با اشرار و بدکاران موجب بدبینی نسبت به نیکان و درستکاران می‌شود (حموی جویی، ۱۳۷۹: ۲۹۴ تا ۲۹۱؛ قمی، ۱۳۳۷: ۸۲). طبق این روایات بر نقش و اهمیت همنشین و دوستان در روند زندگی پی‌می‌بریم و این خود نکته‌ای مهم در پی دارد و آن این است که باید در چگونگی انتخاب دوست و همنشین بسیار دقت کرد. دوستان و همنشینان هم می‌توانند اثر مثبت و هم اثر منفی برای یکدیگر داشته باشند؛ به همین دلیل این موضوع دارای اهمیت دوچندان می‌شود. چه بسا دوستانی

سبب ارتقای همدیگر شوند و برعکس ممکن است دوستانی موجبات هلاکت همدیگر را فراهم سازند و به همین دلیل ائمه اطهار علیهم السلام و از جمله آنها امام هشتم، امام رضا(ع) در این خصوص بسیار تأکید می‌کنند؛ حتی از آموزش علوم به دوستان و همنشینان نا اهل و نادان نیز ما را پرهیز داده‌اند؛ زیرا ممکن است آنها به سبب بی‌خردی و نا اهلی خویش موجبات ناراحتی و سلب آسایش و امنیت دیگران را فراهم کنند؛ پس عقل حکم می‌کند که علوم و مسائل مهم و حیاتی از دسترس ایشان دور بماند و در این صورت می‌توان از آثار سوء رفتار آنها در امان ماند.

۲-۲- اصول خاص مربوط به عقل عملی

۲-۲-۱- اصل رعایت مراحل تزکیه نفس: در داستان ولایتعهدی امام رضا علیه السلام زهد به چشم می‌خورد. وقتی مأمون می‌خواهد در آغاز، خلافت را به آن بزرگوار پیشنهاد کند می‌گوید: «... يَا بَنَ رَسُولُ اللَّهِ قَدْ عَرَفْتَ فَضْلَكَ وَ عَلِمَكَ وَ زَهْدَكَ وَ وَرَعَكَ وَ عِبَادَتَكَ وَ أَرَاكَ أَحَقُّ بِالْخِلَافَةِ مِنِّي...» ای فرزند رسول خدا من به فضیلت و علم و زهد و ورع و عبادت تو اعتراف دارم و تو را به منصب خلافت شایسته‌تر از خود می‌دانم... امام علیه السلام در پاسخش می‌فرماید: «... بِالْعُبُودِيَّةِ اللَّهُ افْتَحِرَ بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا أَرْجُو النَّجَاهَ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ بِالْوَرَعِ عَنِ الْمَحَارِمِ أَرْجُو الْفَوْزَ بِالْمَعَانِمِ وَ بِالتَّوَضُّعِ فِي الدُّنْيَا أَرْجُو الرَّفْعَةَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: به عبودیت خدا افتخار می‌کنم و به وسیله زهد در دنیا نجات از شر دنیا را می‌جویم و با کمک‌گیری و استعانت از ورع و پارسایی از محرمات، امید دستیابی به غنیمت‌های الهی را دارم و با تواضع در دنیا امید رفعت و بلندی مقام در پیشگاه خدای عزوجل دارم (مجلسی، ۱۳۶۴: ۱۲۹ و ۱۲۸). در این بیان حضرت رضا علیه السلام مراحل تزکیه نفس به کار برده شده است؛ همچون غفلت زدایی، توبه، مراقبه و محاسبه نفس و تقوا. این نشاندهنده اهمیت این موضوع در سلوک امام معصوم (ع) است که چنین روشی را در زندگی خویش برگزیده‌اند؛ عبودیت خدا را سرلوحه کار خویش قرار داده، و با رعایت مراحل تزکیه نفس در جهت دستیابی به عبودیت گام برداشته‌اند. ابراهیم بن عباس نقل می‌کند: «...وَ كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَلِيلَ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ الشَّهْرِ، يُحْيِي أَكْثَرَ لَيَالِيهِ مِنْ أَوَّلِهَا إِلَى الصُّبْحِ، وَ كَانَ كَثِيرَ الصِّيَامِ، فَلَا يَفُوتُهُ صِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الشَّهْرِ وَ يَقُولُ: ذَلِكَ صَوْمُ الدَّهْرِ وَ كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَثِيرَ الْمَعْرُوفِ وَ الصَّدَقَةِ فِي السَّرِّ، وَ أَكْثَرَ ذَلِكَ يَكُونُ مِنْهُ فِي اللَّيَالِي الْمُظْلِمَةِ، فَمَنْ رَأَى مِنْهُ فِي فَضْلِهِ فَلَا تَصَدَّقْ: آن امام بزرگوار(ع) خوابش اندک و بیداریش زیاد بود؛ بیشتر شبها را تا به صبح به بیداری می‌گذراند و زیاد روزه می‌گرفت و سه روز روزه در ماه از او فوت نمی‌شد و می‌فرمود این روزه

سال است و آن حضرت نیکی و صدقه در پنهانی زیاد داشت و بیشتر آنها نیز در شبهای تاریک بود و اگر کسی پندارد که همانند او را در فضیلت دیده است از او باور نکنید (قمی، ۱۳۳۷: ۱۸۴). این شیوه سلوک و رفتار امام رضا(ع) نشاندهنده رعایت مراحل تزکیه نفس در جهت قرب هرچه بیشتر به خداوند است. شب زنده داریهای ایشان با یاد خداوند و عبادت او، روزه گرفتن بسیار حضرت رضا(ع)، صدقه دادن ایشان در پنهانی و خفا همگی نشانه زهد و تقوا و مراقبه و محاسبه نفس و غفلت زدایی ایشان است.

۲-۲-۲- اصل تکلیف متناسب با توانایی: توانایی آدمیان مختلف است؛ هم از حیث فهم و هم از حیث عمل. مربی در رویارویی با متربی، باید چیزی بگوید که در طاقت فهم او باشد و چیزی بخواهد که در طاقت عملی او باشد. خداوند هم خود در وسع مخاطبان سخن گفته و تکلیف کرده است؛ چنانکه قرآن را لفظاً و معنأ نازل کرده و از مردم همان قدر «طلب کرده» که به آنان «داده» است. در قرآن آیه ۷ سوره طلاق می فرماید: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا...». خدا کسی را تکلیف نمی کند مگر به قدر آنچه به او داده است. خداوند رسولان خود را نیز به چنین رویارویی با مردم امر کرده است؛ چنانکه رسولان همواره به زبان مردم خویش سخن گفته اند و این زبان، نه تنها زبان ملفوظ که زبان معقول نیز بوده است. بر این اساس در نظام تربیتی اسلام، مربی نیز تنها مجاز است به وسع مخاطب خود نظر بدوزد و بر پایه آن تکلیف کند (باقری، ۱۳۸۷: ۱۸۴). قال الامام الرضا «ع» یا یونس! حدّث الناس بما یعرفون و اترکهم ممّا لا یعرفون: امام رضا «ع» فرموده اند ای یونس! با مردم به اندازه ای که می توانند شناخت سخن گو و آنچه را نمی توانند دانست رها کن (حکیمی، ۱۳۸۰: ۴۶۶). این بهترین شکل رعایت اصل تکلیف متناسب با توانایی از سوی امام رضا(ع) است که در کلامشان هویدا شده است. امام رضا علیه السلام فرموده اند: تواضع و فروتنی مراتبی دارد؛ مرتبه ای از آن این است که انسان موقعیت خود را بشناسد و بیش از آنچه شایستگی آن را دارد از کسی متوقع نباشد و با مردم به گونه ای معاشرت و رفتار کند که دوست دارد با او آن گونه رفتار شود و اگر کسی به او بدی کرد در مقابل خوبی کند؛ خشم خود را فرو خورد و گذشت پیشه کند و اهل احسان و نیکی باشد (مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۵۵؛ حرعاملی، ۱۳۸۰: ۱۴۱).

۲-۲-۳- اصل لزوم پیروی عقل از فرمان الهی: ارزش عقل در شناسایی و کشف حقیقت بدان حدّ مورد توجه بنیانگذاران اسلام است که بین حاکمیت عقل و فرمان یا حکم شرع ملازمه اعلام شده است؛ یعنی هر آنچه را دین بدان حکم دهد عقل نیز فرمان می دهد و هر آنچه را دین، تشریع

یا تجویز کند، عقل نیز آن را تصویب می کند و این ملازمه از طریق دو برهان لمّی (از علت به معلول پی بردن) و اِنّی (از معلول به علت پی بردن) اثبات می شود (حسینی، ۱۳۷۹: ۳۴). سخنانی که امام رضا علیه السلام در این خصوص فرموده اند، بدین شرح است: امام رضا (ع) فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْعَقْلَ فَقَالَ لَهُ «اقْبَلْ» فَأَقْبَلَ لَهُ «ادْبِرْ» فَأَدْبَرَ فَقَالَ «وَعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا خَلَقْتُ شَيْئاً أَحْسَنَ مِنْكَ أَوْ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ، بِكَ أَخَذَ وَبِكَ أَعْطَى»: خداوند عقل را آفرید، سپس به او گفت «پیش بیا». او (اطاعت کرد و) آمد. بعد به او گفت: «باز گرد». او (اطاعت کرد و) باز گشت. آن گاه خداوند گفت «به عزّت و جلال خودم سوگند، مخلوقی زیباتر و محبوبتر از تو نیافریدم. به وسیله تو مردمان را به کیفر می رسانم (در صورتی که بر خلاف حکم و تشخیص تو عمل کرده باشند) و پاداش می دهم (در صورتی که بر طبق حکم و تشخیص تو رفتار نموده باشند)» (کلینی، ۱۳۸۸: ۲۸). قَالَ الْإِمَامُ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَدْعُوا الْعَمَلَ الصَّالِحَ وَالْاجْتِهَادَ فِي الْعِبَادَةِ، اتَّكَلَا عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. لَا تَدْعُوا حُبَّ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَالتَّسْلِيمَ لِأَمْرِهِمْ اتَّكَلَا عَلَى الْعِبَادَةِ، فَإِنَّهُ لَا يَقْبَلُ أَحَدُهُمَا دُونَ الْآخَرِ. امام ابو الحسن حضرت رضا علیه السلام فرمودند: عمل صالح و کوشش در عبادت را به اتکای دوستی آل محمد علیهم السلام وامگذارید. از دوستی آل محمد علیهم السلام و تسلیم بودن در برابر فرمان آنان به اتکا بر عبادت صرف نظر نکنید؛ زیرا هیچ یک از آن دو بدون دیگری [در پیشگاه الهی] پذیرفته نمی شود (مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۴۷). در این حدیث امام رضا (ع) به عمل مهم و اساسی اشاره می کنند که مکمل یکدیگرند و هیچ کدام بدون دیگری قابل قبول نیست. این پیوند ناگسستنی و ابدی، اطاعت خدا و دوستی آل محمد علیهم السلام وظیفه ما پیروان را مضاعف می کند و مستلزم دقت و توجه بیشتر در رفتار عبادی است. چون وقتی این دو در کنار یکدیگر با ارزشند، این نشان از اهمّیت موضوع دارد. پس باید برای جلب خشنودی و رضایت خالق یکتا، دوستی آل محمد علیهم السلام را سرلوحه زندگی خویش قرار دهیم و از آن تخطی نکنیم.

نتیجه گیری

در این مقاله، دیدگاه های مختلف در خصوص عقل و تربیت عقلانی، اهمّیت عقل از دید آیات و روایات امام رضا (ع) مورد بررسی قرار گرفت و نشان داده شد که حفظ عقل از مقاصد

عالی دین اسلام است. ابعاد مختلف وجود آدمی و تربیت آنها، هر یک جایگاه ویژه ای در تعلیم و تربیت اسلامی دارد؛ اما به تربیت عقلانی توجه وافری معطوف شده است؛ زیرا با سلامت عقلانی، تربیت سایر ابعاد وجود آدمی از سهولت ویژه ای برخوردار می شود. پس لازم است که امر خطیر تربیت عقلانی به اجمال گذارده نشود و جایگاه خاص آن در تربیت هریک از ابعاد وجود آدمی مورد تأکید قرار گیرد. طبق دیدگاه اسلام، انسانیت انسان به عقل وابسته است و انسان در پرتو عقل از رده حیوانات خارج می شود؛ لذا ارزشمندی انسان نسبت به حیوانات به اعتبار فصل ممیز او است؛ پس هر قدر فردی این فصل ممیز را کاملتر به فعلیت درآورد، ارزشمندی او از نظر نوعیت کاملتر خواهد بود. بنابراین تکامل انسان در بعد پرورش عقل و خرد است. طبق آیات و روایات، اگر انسان تربیت عقلانی بیابد و به ندای عقل گوش دهد، می تواند کارها و مسائل را درک کند؛ خیر و شر را تشخیص دهد و سعادتمند شود. وظیفه معلمان در تعلیم و تربیت اسلامی تنها انتقال دانش نیست؛ بلکه باید موقعیت مطلوب یادگیری را فراهم کنند و چگونه اندیشیدن و چگونه آموختن را به شاگردان بیاموزند. شایسته است که شاگردان مهارت خود را در تفکر و استدلال افزایش دهند و آنها را به کار برند. واداشتن شاگردان به تفکر، اصلی ترین کار معلمان به شمار می آید. به همین منظور در این مقاله اصول تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام رضا علیه السلام استخراج شد که راهگشای معلمان و مربیان در فرایند تعلیم و تربیت اسلامی قرار گیرد.

منابع

قرآن کریم.

احمدی، احمد (۱۳۶۸). اصول، روش های تربیت در اسلام. اصفهان: انتشارات بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان.

باقری، خسرو (۱۳۸۷). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: مدرسه.

بهشتی، احمد (۱۳۹۰). اسلام و تربیت کودکان. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، نشر بین الملل.

بهشتی، سعید (۱۳۸۹). تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

حجتی، محمدباقر (۱۳۵۷). اسلام و تعلیم و تربیت. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۰). جهاد النفس وسائل الشیعه. ج ۱. ترجمه علی افراسیابی. قم: نهانندی.

حسینی، علی اکبر (۱۳۷۹). تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی، منابع و اصول). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

حکیمی، اخوان (۱۳۸۰). الحیاه. ج ۲ و ۶. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
حموی جوینی، ابراهیم (۱۳۷۹). مسندالامام الرضا علیه السلام. ج ۱ و ۲. ترجمه عزیزالله عطاردی. تهران: کتابخانه صدر.

دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۰). سیری در تربیت اسلامی. چ چهارم. تهران: ذکر.
ساعی، میرمحمود (۱۳۷۹). اخلاق و تربیت اسلامی. تهران: چاپخانه دانشگاه پیام نور.
شریعتمداری، علی (۱۳۸۰). تعلیم و تربیت اسلامی. چ پانزدهم. تهران: امیر کبیر.
قربانی، مهدی (۱۳۸۹). هزار و یک حدیث رضوی (جامع الاحادیث امام الرضا(ع)). مشهد: قاف.
قمی، محمد بن علی بن حسین بن بابویه (۱۳۳۷). عیون اخبار الرضا (ع). ج ۱ و ۲. ترجمه محمد تقی آقا نجفی اصفهانی. تهران: علمیه اسلامی.
قمی، محمد بن علی بن حسین بن بابویه (۱۳۸۲). الخصال. ج ۱. ترجمه یعقوب جعفری. قم: نسیم کوثر.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). اصول کافی. ج ۱. ترجمه جواد مصطفوی. علمیه اسماعیلیه.
مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۴). بحارالانوار. ج ۱ و ۴۹ و ۷۵ و ۷۸. ترجمه موسی خسروی. تهران: اسلامی.
مشکینی، علی اکبر (۱۳۶۷). اخلاق اسلامی: ارتباط علم و عمل. نشریه «تربیت» روان شناسی و علوم تربیتی. ش ۳۴.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
ملکی، حسن (۱۳۸۳). اصول تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری (ره). فصلنامه مصباح - تعلیم و تربیت اسلامی. س سیزدهم. ش ۵۰.
موحدی راد، سلیمان (۱۳۸۷). تبیین و تحلیل ابعاد تربیتی روش امام رضا (ع) در مناظرات فلسفی و کلامی. «پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده». دانشگاه علامه طباطبائی (ره).
نقیب زاده، میر عبدالحسین (۱۳۷۴). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. تهران: طهری.

